

جمهوریت و سیاست‌ورزی حزبی در آراء سیاسی امام خمینی؛ از پیروزی انقلاب تا همه‌پرسی قانون اساسی (۲۲ بهمن ۱۳۵۷ - ۱۱ آذر ۱۳۵۸)

مظفر شاهدی

دانش‌آموخته دکتری تاریخ انقلاب اسلامی پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی،
پژوهشگر ارشد در پژوهشکده تاریخ معاصر.

mozaffarshahedi@gmail.com

چکیده:

در فاصله زمانی پیروزی انقلاب تا تصویب نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی (۲۲ بهمن ۱۳۵۷ - ۱۱ آذر ۱۳۵۸) که جریان‌های مختلف سیاسی پیرامون شکل و ماهیت نظام سیاسی پساانقلابی ایران و نسبت آن با دموکراسی و سیاست‌ورزی حزبی دغدغه‌های خود را مطرح می‌کردند، امام خمینی، رهبر انقلاب و نظام نوپای جمهوری اسلامی، در موضوع شکل و محتوای حکومت جمهوری اسلامی و قانون اساسی برآمده از آن، به تبیین و تشریح آراء سیاسی و فکری خود می‌پرداخت. هدف پژوهش پیش رو: تبیین نسبت جمهوریت و اسلامیت نظام در حکومت جمهوری اسلامی و به تبع آن، تحلیل جایگاه تکثرگرایی و سیاست‌ورزی حزبی در چارچوب حکومت جمهوری اسلامی مورد نظر امام خمینی است. نوع پژوهش، توصیفی - تحلیلی، و روش پژوهش، بررسی تاریخی با بهره‌گیری از الگوی «ردیابی فرایند» می‌باشد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد امام خمینی در فاصله پیروزی انقلاب تا تصویب قانون اساسی جمهوری اسلامی، جمهوریت نظام را در روش، و اسلامیت حکومت را در محتوا تضمین می‌کرد. همچنین، در آراء سیاسی ایشان، تکثرگرایی و سیاست‌ورزی حزبی، در چارچوب حکومت جمهوری اسلامی و مصالح کشور، مورد تأیید قرار گرفته بود.

کلیدواژه‌ها: امام خمینی، جمهوری اسلامی، تکثرگرایی، سیاست‌ورزی حزبی، قانون اساسی.

مقدمه و طرح مسئله

انقلاب مردم ایران با رهبری امام خمینی گسترش یافت و به پیروزی راه گشود. به رغم آنکه انقلاب ایران عمدتاً ماهیتی اسلامی داشت، اما امام خمینی در دوره انقلاب (۱۳۵۶-۲۲ بهمن ۱۳۵۷) بارها اعلام کرد که در ایران پساانقلابی، فعالیت آزادانه احزاب و تشکل‌های سیاسی دگراندیش رقیب به رسمیت شناخته خواهد شد. به ویژه، در حکومت جمهوری اسلامی پیشنهادی ایشان، جمهوریت نظام در روش و اسلامیت آن در ماهیت و محتوا تضمین شده، و به تبع آن، به تکثرگرایی سیاسی و سیاست‌ورزی حزبی، در چارچوب نظام جمهوری اسلامی، با نظر مساعد نگرسته شده بود. پس از پیروزی انقلاب، حکومت جمهوری اسلامی پیشنهادی امام خمینی، در همه‌پرسی روزهای ۱۰ و ۱۱ فروردین ۱۳۵۸، به تأیید اکثریت قریب به اتفاق مردم ایران رسید و متن نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی هم، پس از تصویب در مجلس خبرگان (۲۴ آبان ۱۳۵۸)، در فروردین دوم عمومی روز ۱۱ آذر ۱۳۵۸، مورد تأیید ملت ایران قرار گرفت. در فاصله زمانی پیروزی انقلاب تا تصویب نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی که جریان‌های مختلف سیاسی پیرامون شکل و ماهیت نظام سیاسی پساانقلابی ایران و نسبت آن با دموکراسی و سیاست‌ورزی حزبی دغدغه‌های خود را مطرح می‌کردند، امام خمینی، رهبر انقلاب و نظام نوپای جمهوری اسلامی، در موضوع شکل و محتوای حکومت جمهوری اسلامی و قانون اساسی برآمده از آن، به گونه‌ای مبسوط، به تبیین و تشریح آراء سیاسی و فکری خود پرداخت. با عنایت به این امر، در مقاله حاضر تلاش می‌شود به این پرسش پاسخ داده شود که: آراء سیاسی امام خمینی (در فاصله پیروزی انقلاب تا تصویب قانون اساسی) در موضوع شکل و محتوای نظام، دموکراسی، تکثرگرایی و سیاست‌ورزی حزبی، چه نسبتی با آراء ایشان، در دوره انقلاب (۱۳۵۶-۲۲ بهمن ۱۳۵۷) داشت؟

مدعای مقاله آن است که آراء سیاسی امام خمینی (در فاصله پیروزی انقلاب تا تصویب قانون اساسی) در موضوع شکل و محتوای نظام، دموکراسی، تکثرگرایی و سیاست‌ورزی حزبی، هیچ تفاوت و تعارضی با آراء ایشان در دوره انقلاب (۱۳۵۶-۲۲ بهمن ۱۳۵۷) نداشت و ایشان همچنان از دموکراسی و جمهوریت نظام در روش و اسلامیت آن در محتوا حمایت می‌کرد. و به تبع آن، تکثرگرایی سیاسی و سیاست‌ورزی حزبی، به شرط التزام به مبانی حکومت جمهوری اسلامی و رعایت مصالح ملی، به رسمیت شناخته شده بود.

چارچوب مفهومی

حزب: عبارت است از هر گروه سیاسی دارای یک عنوان رسمی که در انتخابات شرکت کرده و این امکان یا توانایی را دارد که از طریق انتخابات (آزاد یا غیر آن) نامزدهای مورد نظر خود را در رأس پست‌ها و مناصب عمومی جامعه قرار دهد (نوذری، ۱۳۸۱: ۵۱-۵۳). مهم‌ترین معیار طبقه‌بندی احزاب سیاسی در جوامع مختلف بر اساس تعدد آنهاست. بر این اساس نظام‌های سیاسی به تک‌حزبی، نظام‌های دارای حزب غالب یا مسلط، نظام‌های دوحزبی، نظام‌های چندحزبی، و نظام‌های به‌علاوه دوحزبی تقسیم می‌شوند که در این وضعیت اخیر، عمده رقابت‌های سیاسی میان دو حزب بزرگ صورت می‌گیرد و یکی دو حزب کوچک دیگر هم به اندازه‌ای قدرت دارند که گاه در سرنوشت سیاسی جامعه مؤثر واقع شوند. نظام تک‌حزبی معمولاً در حکومت‌های توتالیتر و اقتدارگرای چپ یا راست دیده می‌شود که بر تمام شئون جامعه تسلط دارد. در وضعیت دارای حزب غالب، دو یا چند حزب حضور دارند اما یک حزب از قدرت و نفوذ مسلطی برخوردار است و در مبارزات انتخاباتی به سهولت بر دیگر رقبای خود غلبه پیدا می‌کند. در نظام‌های دوحزبی معمولاً هر دو حزب از توانایی و بخت پیروزی همسانی در رقابت‌های انتخاباتی برخوردارند. در نظام‌های چندحزبی که گاه طیف وسیعی از احزاب چپ تا راست را دربرمی‌گیرد، چندین حزب فعالیت و حضور مؤثر دارند و به نسبت آرای که به دست می‌آورند، کرسی‌های نمایندگی مجلس را کسب می‌کنند و احیاناً برای تشکیل دولت با برخی احزاب همگرا تر ائتلاف می‌کنند (نوذری، ۱۳۸۱: ۹۴).

پلورالیسم (تکثرگرایی): پلورالیسم (pluralism) که در زبان فارسی به معنای کثرت‌گرایی یا تکثرگرایی به کار می‌رود، در عالم سیاست به معنای اعتقاد به کثرت و استقلال گروه‌های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی است. پلورالیسم بر ارزش اخلاقی و لزوم تکثر در هر سیستم اجتماعی تأکید داشته و حقوق گروه‌ها و نهادهای مختلف اجتماعی و سیاسی را بر دولت مقدم می‌دارد و از استقلال آنها در برابر دولت دفاع می‌کند و نیز مخالف قدرت انحصاری دولت است (آشوری، ۱۳۴۷: ۵۹؛ آقابخشی، ۱۳۶۶: ۱۹۸). دوورژه نظام‌های سیاسی کثرت‌گرا را معادل حکومت‌های دموکراتیک می‌داند و آنها را در برابر حکومت‌های وحدت‌گرا یا استبدادی قرار می‌دهد. او حکومت‌های کثرت‌گرا را به نظام‌های ریاستی دوحزبی یا چندحزبی و نظام‌های پارلمانی دو یا چندحزبی تقسیم‌بندی می‌کند (دوورژه، ۱۳۶۹: ۱۵۴). بشیریه پلورالیسم را نوعی نقد مفهوم سنتی دموکراسی هم

می‌داند که بر مبنای آن، صرف مشارکت اکثریت توده مردم در زندگی سیاسی ملاک عمل قرار می‌گرفت. در رهیافت پلورالیستی حضور فعال و مؤثر احزاب در حیات سیاسی جامعه ضرورتی اجتناب‌ناپذیر دانسته شده است (بشیریه، ۱۳۷۴: ۶۵).

دموکراسی: برابری فرصت‌ها برای افراد یک جامعه به منظور برخورداری از آزادی‌ها و ارزش‌های اجتماعی از عام‌ترین تعاریف دموکراسی است. دموکراسی در معنای محدود هم، شرکت آزادانه افراد در اخذ تصمیم‌های مهم سیاسی است (آشوری، ۱۳۴۷: ۸۷). دموکراسی در دو مفهوم سیاسی و اقتصادی به کار رفته و دموکراسی سیاسی چنین توصیف شده است: «آزادی برای اظهار هر نوع عقیده سیاسی و اجتماعی و برخورداری از حق اعمال هر نوع وسیله مشروع برای اشاعه و پیشرفت آن است» (آقابخشی و افشاری‌راد، ۱۳۷۵: ۱۰۰). در نظام‌های دموکراتیک، کثرت و گوناگونی، اختلاف نظر و تفاوت منافع میان شهروندان و گروه‌های سیاسی مختلف به رسمیت شناخته شده و مسائل فیما بین بر اساس اصل متقاعدسازی و مصالحه حل و فصل می‌شود. از نشانه‌های بارز دموکراسی حضور و فعالیت مؤثر احزاب سیاسی است (بیتهم و بویل، ۱۳۷۶: ۱۷ و ۲۰-۲۱).

جریان اسلام‌گرا: هنگامی که از جریان اسلام‌گرا سخن به میان می‌آید، مقصود اشاره به احزاب و تشکل‌هایی است که از مبانی فکری و آموزه‌های سیاسی اسلام و مذهب تشیع پیروی می‌کردند و در جایگاه مهم‌ترین مدافعان ماهیت اسلامی انقلاب و نظام جمهوری اسلامی ایران، در مقاطع گوناگون، با احزاب و تشکل‌های موسوم به التقاطی، جبهه ملی و گروه‌های چپ فاصله و خط‌کشی‌های سیاسی - ایدئولوژیکی معناداری داشتند. احزاب و تشکل‌های اسلام‌گرا به‌ویژه آشکارا از مرجعیت و رهبری سیاسی امام خمینی تبعیت می‌کردند.

پیشینه، هدف، ضرورت و نقطه کانونی پژوهش

تاکنون در این باره پژوهش مستقل منسجمی صورت نگرفته است. به‌ویژه بیان مسئله، طرح پرسش و مدعایی که هدف تبیین شکاف معرفتی در موضوع پژوهش را دنبال می‌کند، با رویکرد تحقیقی جدیدی طرح شده است. هدف پژوهش، پاسخ به پرسش مقاله در چارچوب مدعای مطرح شده می‌باشد. مقاله حاضر از آن رو که آراء سیاسی و فکری امام خمینی در برهه تعیین‌کننده پیروزی انقلاب تا تصویب نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی را در موضوع شکل و ماهیت نظام پساانقلابی ایران منعکس می‌کند، در تبیین و تحلیل بخشی از مسائل مبتلا به کشور و تعیین نقشه راه جامعه ایرانی در دوره

حیات نظام جمهوری اسلامی می‌تواند فایده و اهمیتی راهبردی داشته باشد. نقطه کانونی مکان پژوهش، ایران و نقطه کانونی زمان پژوهش، فاصله پیروزی انقلاب در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ تا تصویب و تأیید نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی در ۱۱ آذر ۱۳۵۸ می‌باشد.

روش و نوع پژوهش

در روند گردآوری اطلاعات از روش موسوم به کتابخانه‌ای پیروی شده است. در داوری از روش بررسی تاریخی تبعیت شده است که مبتنی بر ارائه گزاره‌های زمان‌مند، مکان‌مند و منحصر به فرد می‌باشد. نوع پژوهش توصیفی - تبیینی است و از تکنیک یا الگوی ردیابی فرایند^۱ بهره گرفته شده است.

از برهه پیروزی انقلاب تا همه‌پرسی تعیین نوع نظام (۲۲ بهمن ۱۳۵۷ - ۱۲ فروردین ۱۳۵۸)
امام خمینی که در حکم انتصاب مهدی بازرگان به مقام نخست‌وزیری، از جمله وظایف دولت موقت را «انجام رفراندوم و رجوع به آرای عمومی ملت درباره تغییر نظام سیاسی کشور به جمهوری اسلامی» تعیین کرده بود، تا آستانه برگزاری همه‌پرسی تعیین نوع نظام، همچنان از پیشنهاد «حکومت جمهوری اسلامی» دفاع و به مردم ایران توصیه می‌کرد به «جمهوری اسلامی» رأی مثبت بدهند. ایشان دو روز پس از آغاز نخست‌وزیری بازرگان، در ۱۷ بهمن ۱۳۵۷، «از خداوند متعال» خواستار «برقرار ساختن جمهوری اسلامی» شد (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۶: ۷۱). در ۲۷ بهمن نیز، در جمع استادان دانشگاه و جامعه اسلامی دانشگاهیان اظهار داشت:

الان رژیم ما نداریم. رژیم سلطنت که رفته، رژیم جمهوری اسلامی هم بر حَسَبِ رأی من الان هست، اما بر حسب نظر دنیا باید با آرای مردم درست بشود و به آرای مردم می‌خواهیم مراجعه کنیم... حالا آن جمهوری اسلامی را خواستند، نخواستند رژیم شاهنشاهی هم اختیار با خودشان است (همان، ج ۶: ۱۵۳).

امام خمینی، در ۱۰ اسفند ۱۳۵۷، با اشاره ضمنی به زمزمه‌هایی که پیرامون مخالفت برخی احزاب و جریان‌های سیاسی با حکومت جمهوری اسلامی پیشنهادی ایشان شروع شده بود، تصریح کردند: «آن که ملت ما می‌خواهد جمهوری اسلامی است نه جمهوری

۱. ردیابی فرایند (gnicar ssecorp): روش یا تکنیکی است که در آن، تحلیل‌گر تلاش می‌کند مکانیسم‌های علی‌ای را مشخص کند که متغیر تبیین را به یک پیامد پیوند می‌دهد (طالبان، ۱۹۳۱: ۱۳۲).

فقط، نه جمهوری دموکراتیک، نه جمهوری دموکراتیک اسلامی؛ جمهوری اسلامی». اما در ضمن اضافه نمود: «لکن همه مردم در آرا آزادند. وقتی فراندوم اعلام شد، رأی من حکومت جمهوری است، جمهوری اسلامی است. هر کس که تبعیت از اسلام دارد جمهوری اسلامی باید بخواهد. لکن تمام مردم آزادند که آرای خودشان را بنویسند و بگویند، بگویند که ما رژیم سلطنتی می‌خواهیم؛ بگویند که ما برگشت محمدرضا پهلوی را می‌خواهیم، آزادند! بگویند که ما رژیم غربی می‌خواهیم، جمهوری باشد لکن اسلام نباشد». ایشان از افراد و احزابی که می‌گفتند: «جمهوری باشد اسلام نباشد»، می‌پرسد:

از اسلام چه می‌دانی و چه دیدی؟ چه بدی از اسلام دیدی؟... این اسلام است که طاغوت را قطع کرد نه مردم؛ ایمان طاغوت را قطع کرد، نه من و تو... اسلام تأمین آزادی، استقلال، عدل است... آزادی آرا در اسلام از اول بوده است. در زمان ائمه (علیهم‌السلام) ما بلکه در زمان خود پیغمبر آزاد بود... ما حجت داریم. کسی که حجت دارد از آزادی بیان نمی‌ترسد، لکن توطئه را اجازه نمی‌دهیم (همان، ج ۶: ۲۷۶-۲۷۷).

امام خمینی در ۱۴ اسفند ۱۳۵۷، در جمع شماری از پاسداران انقلاب اسلامی تأکید کردند: «همه ما مجاهدت کنیم تا جمهوری اسلامی را مستقر کنیم در این مملکت و دست اجانب را همان‌طوری که تا حالا قطع کرده‌ایم، از این به بعد هم نگذاریم سلطه پیدا کنند بر ما و نخواهیم گذاشت». در ادامه هشدار دادند: «کاری نکنید که عنایت خدا کم بشود... تفرقه نداشته باشید با هم، با هم باشید همه، همه با هم جمهوری اسلام، جمهوری اسلامی، همه با هم» (همان، ج ۶: ۳۰۹ و ۳۱۳). ایشان یک روز بعد، در ملاقات با گروهی از علما و روحانیون حوزه علمیه قم، با این تذکر که: «امروز آن روزی است که بسیار حساس است برای اسلام و مسلمین و ملت ما، که شاید حساس‌تر از این موقع نباشد و آن این است که سرنوشت مملکت اسلام باید تعیین بشود». ایشان از عموم علما، روحانیون و طلاب حوزه‌های علمیه خواست در فرصت کمی که تا برگزاری فراندوم تعیین نوع نظام باقی است، با رجوع به مردم، در اقصی نقاط کشور، ضرورت رأی مثبت به حکومت جمهوری اسلامی را به آنان گوشزد کنند: «چون این فراندوم یک فراندوم اساسی است که مقدرات مملکت ما را تعیین می‌کند و اگر بخواهیم یک حکومت اسلامی، یک جمهوری اسلامی در ایران برقرار کنیم با این فراندوم باید بشود. از این جهت است که آقایان، اینهایی که قدرت بر این معنا دارند که تشریف ببرند در

بلاد و در محالی که آشنا هستند یا غیر آشنا و مسائل را برای آنها بگویند و آنها را روشن کنند و دعوت کنند به اینکه رأی بدهید به جمهوری اسلامی - این هم با همین کلمه: نه یک حرف زیادت و نه یک حرف کمتر - برای اینکه الان شیاطین افتاده‌اند دنبال اینکه جمهوری محض، همین جمهوری باشد، جمهوری دموکراتیک باشد و از این حرف‌ها... این لازم است که عمل بشود و غصه نخورید که درستان تعطیل می‌شود! ان شاء الله مجال درس خواندن دارید... گاهی وقت‌ها هم تعطیل درس و اشتغال به یک مطلب مهمی - بلکه مهم‌تر از درس - این هم ارزنده است پیش خدا... این طور نباشد که همه مجتمع بشوند در شهرهای بزرگ. متفرق بشوند در شهرها و قصبات و دهات و عرض کنم قرا و همه‌جا و همه را آگاه کنند که رفراندوم که شد همه بگویند جمهوری اسلامی می‌خواهیم... رأی بدهند به جمهوری اسلامی و هیچ زیر بار کلمه زاید و ناقص نروند... من هم رأیم همین است. رأیم را هم ان شاء الله در صندوق می‌اندازم؛ رأی من مثل رأی شماها جمهوری اسلامی است و اگر این را ان شاء الله تعقیب کنید و امید است که نصرت پیدا کنید و نصرت پیدا می‌کنید ان شاء الله - خداوند با شماست». ایشان هشدار دادند که: «الان وقت این است که ما فعالیت کنیم... و رأی از مردم بگیریم. تقاضا کنیم از مردم که رأی بدهند به جمهوری اسلامی؛ و همه هم آزادند اما شما هدایتشان کنید. الزام نیست که بروید مأمور بگذارید مثل سابق که مأمور می‌گذاشتند سر مردم که رأی بدهید، بعد هم که از مردم رأی نمی‌گرفتند خودشان رأی می‌دادند! رأی‌ها را خودشان می‌خواندند و خودشان می‌دادند و تمام می‌شد قضیه» (همان، ج ۶: ۳۲۴-۳۲۶ و ۳۲۸).

در ۱۶ اسفند نیز، در ملاقات با شماری از پزشکان و پرستاران قم، بار دیگر تأکید کردند: «دعوت کنید مردم را، دعوت کنید همه را به اینکه در این رفراندوم به جمهوری اسلامی، فقط جمهوری اسلامی، یک کلمه این ور، یک کلمه اون ور نباید باشد. نه از آن اسقاط بشود نه به آن زیاد بشود. شیاطین می‌خواهند یک کلمه را اسقاط کنند، یا کلمه‌ای را زیاد کنند. توجه به این معنا داشته باشید، دعوت کنید همه را» (همان، ج ۶: ۳۴۸). روز بعد هم با صراحت بیشتری اظهار داشتند:

به یاوه یاوه‌گویان گوش ندهید. به حرف‌های قشرهایی که از اسلام هیچ بویی نبرده‌اند و با اسلام مخالف‌اند، به حرف آنها گوش ندهید. آنها می‌خواهند ملت را منحرف کنند از مسیر خود... مسیر شما مسیر اسلام است، مسیر شما این است که جمهوری اسلامی را برپا کنید. من رأی

به جمهوری اسلامی می‌دهم و از شما تقاضا دارم که رأی به جمهوری اسلامی بدهید، نه یک کلمه کم، نه یک کلمه زیاد؛ جمهوری اسلامی. آنها که در نوشتجاتشان از جمهوری دم می‌زنند - جمهوری فقط - یعنی اسلام نه. آنهایی که جمهوری دموکراتیک می‌گویند یعنی جمهوری غربی، جمهوری اسلامی نه. آنها می‌خواهند باز همان مصائب را با فرم دیگر برای ما به بار بیاورند. آنها اصلاً در این نهضت دخالت نداشتند... آنها که قلم‌های مسموم را گرفته‌اند و برخلاف اسلام چیز می‌نویسند و ملی و دموکراتیک و این حرف‌ها را به میان می‌آورند، از آنها نپذیرید (همان، ج ۶: ۳۵۳).

ایشان در ۱۸ اسفند هم، ضمن دفاع از آزادی بیان منهای توطئه و خیانت، تصریح نمود: «ملت ما خون داده است تا جمهوری اسلامی وجود پیدا کند نه جمهوری، نه جمهوری دموکراتیک یعنی جمهوری غربی، یعنی بی‌بندوباری غرب. این تقلیدها را کنار بگذارید، این غربزدگی‌ها را کنار بگذارید... من رأی خودم را به جمهوری اسلامی می‌دهم و از ملت تقاضا دارم که نگذارند خون جوانانشان هدر برود، نگذارند اجانب رخنه پیدا کنند... به حکومت اسلام، به جمهوری اسلامی، نه یک حرف زیاد نه یک حرف کم» رأی بدهند (همان، ج ۶: ۳۶۲-۳۶۳). ایشان در روزهای بعد هم، در ملاقات با اقشار گوناگون مردم، بارها این معنا را تکرار کرد و خواستار رأی مردم به «جمهوری اسلامی، نه یک حرف کم و نه یک حرف زیاد» شد (همان، ج ۶: ۳۷۲ و ۳۷۸ و ۳۸۷-۳۸۸ و ۳۹۰-۳۹۱ و ۴۰۶). در ۴ فروردین ۱۳۵۸ نیز، که کمتر از یک هفته تا موعد برگزاری همه‌پرسی وقت باقی بود، در پیامی خطاب به ملت ایران اظهار داشتند: «شما همه آزادانه به هر چه می‌خواهید رأی بدهید. من خودم به جمهوری اسلامی رأی می‌دهم و تقاضای برادرانه از شما دارم که به من در این امر اسلامی کمک کنید و لازم است جوانان غیور از توطئه و خیانت در آرای مردم جلوگیری کنند و از صندوق‌های آرا با امانت حفاظت کنند» (همان، ج ۶: ۴۰۸). امام خمینی، طی روزهای بعد، ضمن هشدار نسبت به احتمال وقوع تقلب یا ایجاد آشوب و خرابکاری در روند برگزاری فروردوم، در ۸ فروردین، در ملاقات با اقشاری از مردم کشور، هشدار آمیز تقاضا نمود:

برادرهای من بیدار باشید! هوشیار باشید! آنهایی که ما را به عقب راندند باز مراقبند... باید همه با هم دست اجانب را که کوتاه شده به کلی قطع

کنید... در این قضیه رفراندوم، که سرنوشت ایران را با او تعیین خواهیم کرد، همه باید رأی بدهید... من توصیه می‌کنم که همان طوری که خودم به جمهوری اسلامی رأی می‌دهم، توصیه می‌کنم، تقاضا می‌کنم از شماها که شماها هم به جمهوری اسلامی - نه یک کلمه کم نه یک کلمه زیاد - رأی بدهید... همه با هم به پیش برای برقرار کردن حکومت اسلامی، جمهوری اسلامی (همان، ج ۶: ۴۲۷-۴۲۸).

امام خمینی در ۹ فروردین ۱۳۵۸ که مقرر بود فردای آن روز رفراندوم تعیین نوع نظام برگزار شود، در چند سخنرانی مختلف، از آحاد مردم خواست در رفراندوم شرکت کنند و ترجیحاً و نه لزوماً، به جمهوری اسلامی رأی مثبت بدهند (همان، ج ۶: ۴۳۵-۴۳۶). ایشان رأی «آری» به جمهوری اسلامی را مساوی با پیروزی اسلام و رأی «نه» به جمهوری اسلامی را برابر با پیروزی «کفر» ارزیابی کردند و تأکید نمودند:

فردا روز رفراندوم است؛ روزی است که مقدرات شما تعیین خواهد شد. روزی است که یا اسلام پیش می‌برد و یا کفر. روزی است که «آری» اسلام است و «نه» خلاف اسلام... من «آری» می‌گویم. من جمهوری اسلامی را به جان و دل «آری» می‌گویم و از شما خواهران و برادران می‌خواهم که بروید و «آری» بگویید. بروید و آن ورقی که در آن «آری» نوشته است در صندوق بیندازید... کشور شما با این «آری» مستقل خواهد شد. با این «آری» شما آزاد خواهید شد و خدای نخواسته اگر چنانچه سستی بکنید یا تبلی در این امر بشود که نروید به دنبال رأی دادن، من خوف آن دارم که خدای نخواسته به شکست برخوریم و باز مسائل عود کند... در خانه نشینید فردا، فردا بیرون باشید از خانه‌ها... من رأی آری می‌دهم و از شما تمنا دارم که رأی آری بدهید (همان، ج ۶: ۴۳۱-۴۳۲).

امام خمینی در ۱۰ فروردین ۱۳۵۸ نیز، پس از شرکت در همه‌پرسی، اظهار داشتند: امروز رفتن در محلی که شهدای قم جان خود را برای اسلام و جمهوری اسلام از دست دادند، برای اینکه آنها را شاد و ملت اسلام را دلگرم کنم، به جمهوری اسلامی رأی دادم. من امیدوارم که همه ملت اسلام و همه ملت ایران موفق باشند و ملت ما رأی به جمهوری اسلامی بدهند... همه ملت باید به پای صندوق‌های رأی بروند و آزادند هر چه می‌خواهند

بنویسند و به صندوق بریزند. اگر چنانچه رأیشان نه باشد، آزادند هر چه می‌خواهند بنویسند و نحوه حکومتی را که انتخاب می‌کنند در رأی خود بنویسند، ولی من توصیه می‌کنم برای اطاعت امر خدا کوشش کنند و به جمهوری اسلامی رأی بدهند (همان، ج ۶: ۴۵۰-۴۵۱).

بدین ترتیب، امام خمینی همچنان که طی چهار ماه پایانی دوره انقلاب، به طور مکرر تصریح کرده بود، پس از پیروزی انقلاب و تا آستانه برگزاری فراندوم تعیین نوع نظام نیز، از ایده تأسیس حکومت جمهوری اسلامی دفاع نمود و از مردم ایران خواست به «جمهوری اسلامی» رأی «آری» بدهند. در آراء سیاسی ایشان، تکثرگرایی و سیاست‌ورزی حزبی، در چارچوب حکومت جمهوری اسلامی به رسمیت شناخته شده بود.

از همه‌پرسی تعیین نوع نظام تا فراندوم قانون اساسی (۱۲ فروردین - ۱۱ آذر ۱۳۵۸)

امام خمینی در دوره انقلاب بارها از تشکیل مجلس مؤسسانی از نمایندگان مردم ایران برای بررسی و تصویب قانون اساسی جدید سخن به میان آورده بود. این مهم در فرمان ایشان مبنی بر تشکیل شورای انقلاب (۲ دی ۱۳۵۷) و حکم انتصاب مهدی بازرگان به نخست‌وزیری موقت انقلاب (۱۵ بهمن ۱۳۵۷) هم تصریح شده بود. ایشان در ۱۲ فروردین ۱۳۵۸ نیز ضمن صدور پیام تبریک و تشکر به مناسبت برگزاری فراندوم و رأی قاطع مردم ایران به جمهوری اسلامی، قدم بعدی ملت ایران را «فرستادن طبقه فاضله و امنای خود در مجلس مؤسسان» برای تصویب «قانون اساسی جمهوری اسلامی» اعلام کردند (همان، ج ۶: ۵۴۳). در ۱۵ فروردین هم باز به موضوع برگزاری انتخابات مجلس مؤسسان اشاره کردند که: «قانون اساسی را آنها باید تصویب کنند»؛ و توصیه کردند: «در هر شهری، در هر استانی با عشق و علاقه تعیین کنید اشخاص فاضل، اشخاص امین را، اشخاص متدین امین فاضل را، برای اینکه بروند در مجلس مؤسسان و قانون اساسی جمهوری اسلامی را تصویب کنند». پیرامون محتوای قانون اساسی مورد عنایت خود هم اضافه کردند: «ان شاء الله بتوانیم برنامه اسلام را پیاده کنیم. الان فقط لفظ است، لفظ جمهوری اسلامی است، باز معنایش نیامده است. ما باید راه‌هایی را طی کنیم تا محتوای جمهوری اسلامی در ایران پیاده بشود. دعا کنید ان شاء الله موفق بشویم و اسلام را زنده کنیم و احکام اسلام را زنده کنیم» (همان، ج ۶: ۴۷۱-۴۷۲). ایشان در ویژگی «وکلائی که می‌خواهیم بفرستیم به مجلس مؤسسان و بعد هم مجلس شورا»، گفتند که باید «صد

درصد ملی، متدین؛ نه منحرف به چپ و نه منحرف به راست؛ از خودمان باشند و مصالح خودمان را در نظر بگیرند» (همان، ج ۶: ۴۷۵). در ۱۶ فروردین هم باز تأکید کردند:

و کلاهی که می‌خواهیم انتخاب کنیم: انتخاب افضل، انتخاب امنای ملت، انتخاب کسانی که نه چپ‌گرا هستند و نه راست‌گرا، انتخاب اشخاصی که به اسلام ارج می‌گذارند، انتخاب اشخاصی که کشور خودشان را می‌خواهند، انتخاب اشخاصی که به مصالح اسلام و مسلمین فروگذاری نمی‌کنند، باید ما یک همچو اشخاصی را انتخاب کنیم و به مجلس مؤسسان بفرستیم که قانون اساسی اسلامی ما را آنها تصویب کنند (همان، ج ۶: ۴۸۰-۴۸۱ و ۴۸۷-۴۸۸).

اظهارات امام خمینی به‌وضوح نشان می‌دهد که ایشان نسبت به تشکل‌های سیاسی چپ و مارکسیستی و نیز احزاب دموکراسی‌خواه لیبرالی که مروج نظام‌های دموکراتیک غرب بودند، نگاهی سراسر منفی و بلکه تقابل‌گرایانه داشت؛ و از نوعی تحزب و سیاست‌ورزی ایرانی - اسلامی حمایت می‌کرد که به رعایت مصالح ملی و موازین اسلامی ملتزم باشد. این معنا در ویژگی‌هایی که ایشان برای نمایندگان مجلس مؤسسان قانون اساسی برمی‌شمارد، قابل ردیابی است: «ما پس از این مرحله، مرحله انتخابات برای مجلس مؤسسان داریم؛ آنجا هم باید همت کنید و اشخاص متعهد، اشخاصی که برای ایران کار بکنند و نه اجانب، اشخاصی که ایمان به خدا داشته باشند، نه چپ‌گرا باشند و نه راست‌گرا، بلکه صراط مستقیم را داشته باشند، آنها را باید به مجلس مؤسسان بفرستیم (همان، ج ۶: ۵۰۸)... باید اشخاصی که در مجلس مؤسسان می‌روند اشخاص امین باشند... گرایش نداشته باشند به چپ و راست؛ ملی باشند، مستقل باشند؛ فکرشان مستقل باشد (همان، ج ۶: ۵۱۳)... آرای خود را برای اشخاص بیدار، امین، مؤمن مسلم، وطن‌خواه به صندوق‌هایی که بعداً درست می‌شود بریزید» (همان، ج ۶: ۵۲۳).

امام خمینی در دوم خرداد ۱۳۵۸، با اشاره به رأی قاطع مردم ایران به «جمهوری اسلامی»، هشدار داد، از آن پس، صرفاً احزاب و تشکل‌هایی مورد تأیید نظام جمهوری اسلامی بوده و سیاست‌ورزی حزبی آنها در راستای اهداف انقلاب مردم ایران مورد ارزیابی قرار خواهد گرفت که به‌صراحت و آشکارا، «جمهوری اسلامی» را به رسمیت بشناسند (همان، ج ۷: ۴۸۵-۴۸۶). به‌تبع آن، ایشان، فقط کسانی را دارای صلاحیت نمایندگی مردم می‌دانست که «جمهوری اسلامی را اعتقاد دارد» (همان، ج ۷: ۴۶۵).

امام خمینی در ۸ خرداد ۱۳۵۸، ضمن تأکید کرد آزادی‌های سیاسی و اجتماعی ایران مقید به حدود احکام و قوانین اسلامی خواهد بود، پیشاپیش هشدار داد که قانون اساسی آینده ایران ضرورتاً باید دامنه آزادی‌های قانونی سیاسی و اجتماعی کشور را در چارچوب قوانین اسلام تعریف و تحدید نماید. همه اینها به معنای آن بود که تحزب و سیاست‌ورزی حزبی هم، در عرصه سیاسی و اجتماعی کشور، در چارچوب قانون اساسی مقید به مراعات قوانین اسلامی تحمل خواهد شد. (همان، ج ۷: ۵۳۵-۵۳۶).

ایشان به صراحت اعلام کردند که احزاب و جریان‌های سیاسی مروج و مقید به آزادی‌های دموکراتیک غربی و ایدئولوژی مارکسیسم در آینده سیاسی و اجتماعی کشور جایی نخواهند داشت (همان، ج ۷: ۵۳۶-۵۳۸).

امام خمینی در ۱۱ خرداد ۱۳۵۸ هم بار دیگر ماهیت و سازوکار حکومت و سیاست‌ورزی در نظام «جمهوری اسلامی» را تشریح کرد: «جمهوری اسلامی معنایش این است که همه مردم رأی بدهند یا اکثریت رأی بدهند به اینکه جمهوری؛ لکن احکام، احکام اسلام. جمهوری‌ای که قانونش قانون اسلام باشد... دنباله کار انبیاست، دنباله کار رسول خداست، دنباله کار امیرالمؤمنین است، دنباله کار سیدالشهداست» (همان، ج ۸: ۴۲).

هنگامی که دولت و شورای انقلاب، با نظر مساعد امام خمینی، تصمیم گرفتند به جای مجلس مؤسسان وعده داده شده، مجلس محدودتر «خبرگان» را مأمور بررسی و تصویب قانون اساسی کنند؛ این تصمیم با مخالفت شماری از احزاب، اشخاص و جریان‌های سیاسی روبه‌رو شد. امام خمینی در واکنش به موج مخالفت‌هایی که با این تصمیم جدید به راه افتاده بود، ضمن آنکه اطمینان می‌داد مجلس خبرگان منتخب مردم وظایف همان مجلس مؤسسان را انجام خواهد داد، انتقادات گاه شدیدی را متوجه منتقدان می‌کرد (همان، ج ۸: ۱۶۱-۱۶۳).

امام خمینی در ۲۷ خرداد ۱۳۵۸ هم، با اشاره به اینکه به تبع حکومت جمهوری اسلامی، قانون اساسی ما هم ضرورتاً باید محتوایی اسلامی داشته باشد، تصریح نمود: «آن کسی که حقوق به معنای حقوق‌دانی غربی و غربزدگی دارد، او صلاحیت ندارد که در قانون اساسی ما دخالت بکند... ما می‌خواهیم قانون اساسی اسلام را درست کنیم. اسلام‌شناس باید در اینجا دخالت داشته باشد» (همان، ج ۸: ۱۹۱). در حالی که دولت موقت، با انتشار پیش‌نویس قانون اساسی، مهلتی یک ماهه تعیین کرده بود تا مردم کشور، از اقشار مختلف، پیرامون مفاد آن اظهار نظر نمایند، امام خمینی از علما و روحانیون تقاضا کرد،

به‌جد محتوای متن منتشرشده را بررسی و دیدگاه‌های اصلاحی احتمالی خود را در مطبوعات و روزنامه‌ها و دیگر مجامع عمومی منعکس نمایند (همان، ج ۸: ۲۱۹). امام خمینی گام بعدی و بلکه اساسی‌تر تضمین ماهیت و محتوای اسلامی قانون اساسی را انتخاب و حضور تعیین‌کننده‌تر علما و اسلام‌گرایان در مجلس خبرگان برشمرد:

مهم این است اشخاصی که برای این قانون تعیین می‌کند ملت بفهمد چه اشخاصی باید تعیین کند. بفهمد که مسئله، مسئله اسلامی است، نه مسئله غربی، نه مسئله شرقی... ما می‌خواهیم قانون اساسی جمهوری اسلامی را بررسی کنیم... در این زمان هم که بناست این قانون اساسی بررسی بشود... ملت علما را تعیین کنند. اختیار هست؛ الزامی نیست؛ لکن پیشنهاد است. علمایی که اطلاع دارند از قانون اسلام، اطلاع دارند از مسائل روز، آنها را تعیین کنند و علما هم ابا نکنند از رفتن به مجلس. برای اینکه مجلس مجلسی است که سرنوشت اسلام در آن تعیین می‌شود... طرح ما این است. لکن ملت مختار است (همان، ج ۸: ۲۲۰-۲۲۱).

اگرچه امام خمینی اصل تحزب و سیاست‌ورزی حزبی را در چارچوب موازین اسلامی و مصالح ملی تأیید کرده بود، اما رشد و بعضاً انشعابات قارچ‌گونه احزاب و تشکل‌های سیاسی کمترشناخته‌شده، ولی جنجال‌آفرین را آسیبی جدی برای حیات سیاسی و اجتماعی کشور ارزیابی می‌کرد. نگاه ایشان به این پدیده که می‌توانست، به‌ویژه، هشدارهایی را هم متوجه احزاب و تشکل‌های سیاسی شناسنامه‌دارتر اسلام‌گرا بکند، چنین بود:

این گروه گروه شدن اسباب این می‌شود که مسائل عقب بیفتند. هر گروهی یک دسته‌ای جمع می‌شوند، یک گروه درست می‌کنند... گروه کذا، گروه کذا. هر روز هم یک گروهی پیدا می‌شود! ولو عددشان چیزی نیست، ادعایشان زیاد است! نه واقعیتی دارند و نه یک برنامه‌ای دارند؛ هیچ چیز نیست؛ لکن همین مقدار که گروه کذا، حزب کذا، همین‌ها مضر به حال مملکت ما هست. ما می‌خواهیم این گروه‌ها همه برگردند یک گروه بشوند و آن گروه گروه اسلامی که برای مملکت مفید باشند خدمت کنند به این کشور... این خرابی‌ها که هست ترمیم بکنند... این اختلاف و گروه‌گروه درست کردن نمی‌گذارد ترمیم بشود... اینها یک

اشتباهاتی است که ممکن هم هست سوءنیت نداشته باشند لکن فهمشان خیلی نیست؛ ادراکشان زیاد نیست. فهم سیاسی ندارند... اگر فهم سیاسی بود، امروز روز این نبود که هی گروه‌های مختلف آن حزب درست کند، آن یک حزب درست کند، آن یک گروه، هر کس یک چیزی درست کند و یک عده‌ای دور خودش جمع بکند. در عین حالی که عده‌شان چیزی نیست، لکن مضر است (همان، ج ۸: ۲۶۶).

اگرچه امام خمینی، به صراحت، از حضور و مشارکت سراسرگسترش‌یابنده مردم ایران در عرصه سیاسی و اجتماعی حمایت می‌کرد اما، به‌ویژه، سربرآوردن روزافزون احزاب و تشکل‌های سیاسی دارای افکار و اندیشه‌های گاه به‌شدت متعارض با مبانی و محتوای اسلامی نظام جمهوری اسلامی در چندماهه پس از پیروزی انقلاب، ایشان را تا حدی نگران کرده بود که مبدا این فرایند حزب‌سازی فزاینده کمتر نظام‌مند و بیشتر جنجال‌آفرین، آن اتحاد، همبستگی و انسجام سیاسی و اجتماعی دوره انقلاب را به‌سوی نقار و پراکندگی و ایجاد تشتت و اختلافات کنترل‌ناپذیر در صفوف ملت ایران سوق دهد (همان، ج ۸: ۴۴۰-۴۴۱).

امام خمینی، به‌ویژه، از آن جهت نگران رشد نامتوازن و قارچ‌گونه احزاب و تشکل‌های سیاسی عمدتاً بی‌مقدار جنجال‌آفرین بود که اکثر این احزاب، از انسجام و انضباط سیاسی و فکری لازم برخوردار نبوده و مهم‌تر از آن، شکاف سیاسی و ایدئولوژیکی کمابیش عمیقی با کلیت انقلاب داشته و وفاداری، مسئولیت و تعهدی در قبال ماهیت و سمت‌وسوی نظام نوپای جمهوری اسلامی احساس نمی‌کردند. ایشان در ۱۵ تیر ۱۳۵۸ در این باره چنین گفتند:

ای احزاب مختلف، ای گروه‌های مختلف! اگر شما برای کشور خودتان دلسوز هستید و برای ملت‌تان دلسوز هستید، باید بدانید که این ایجاد گروه‌های مختلف برای ملت سم قاتل است... این اظهار وجودها، این گروه‌گروه کردن ملت، موجب این می‌شود که ملت شما باز به‌حال اول برگردند. شما دارید رمز پیروزی ملت را از دست می‌دهید. شماها که حسن نیت دارید در تحت تأثیر شیاطینی که سوء نیت دارند واقع شده‌اید... شما در این وقت، در وقتی که ما احتیاجمان به وحدت کلمه بیشتر است موجب تفرق دارید می‌شوید... یک قدری در کارهای خودتان تجدید

نظر کنید. گروه‌گروه می‌شوید و هر گروهی مخالف گروه دیگر. اگر همه در یک مسیر می‌رفتید باز مضایقه نبود که گروه‌هایی همه در یک مسیر واحد. لکن دست‌های خبیث اجانب در کار است که شما را ندانسته گروه‌گروه کند و مخالف هم... احزاب مختلفه، گروه‌های مختلف، جبهه‌های مختلفه و مع‌الاسف همه با هم مخالف (همان، ج ۸: ۴۷۷-۴۷۸).

ایشان در ۱۶ تیر ۱۳۵۸، طی سخنانی که نشان می‌داد، به‌رغم پذیرش اصل تحزب و سیاست‌ورزی حزبی، رشد فزاینده احزاب و تشکل‌های سیاسی رقیب را، در شرایطی که هنوز نظام نوپای جمهوری اسلامی تثبیت نشده است، زیانبار و بلکه خطرآفرین ارزیابی می‌کردند، چنین گفتند:

الان شما ببینید در تهران از قراری که روزنامه‌ها می‌نویسند قریب صد گروه پیدا شده‌اند!... این کیست؟ حزب چه، این کیست؟ حزب چه، این کیست؟ جبهه چه، بسیاری‌شان هم اسم اسلام رویش هست... محله محله کردن، گروه‌گروه کردن الان صحیح نیست. ما در یک حالی الان هستیم که باید این مراحل را طی کنیم تا بتوانیم بگوییم ما حالا پیروز شده‌ایم. آن وقت هم باید حفظش کنیم... اما حالا نیمه پیروزی است، نه پیروزی... اگر در این نیمه راه که ما هستیم غلبه کنند بر ما، ما از هم جدا بشویم، کم‌کم آنها از زیر پیوند کنند... یکی بشوند، نتیجه‌اش این می‌شود که بعد از چندی این گروه فاتح شکست خورده می‌شوند... این وحدت کلمه را حفظ کنید... اینها رمز پیروزی ما بود... و از تفرقات از این افتراق‌ها پرهیز کنید. من همه را دارم می‌گویم، من خطابم به هر جاست که برسد صدایم. معنا ندارد امروز در یک مملکتی که فتحش نیمه‌کاره است، احزاب مختلف بگذارند استقرار پیدا بکند؛ بعد هر کاری می‌خواهند بکنند. بگذارند ما درست مستقر بشویم، اقتصادمان درست بشود، زراعتمان درست بشود، لااقل دستمان دراز نباشد برای دیگران که گندم بده... بگذارید اینها یک قدری درست بشود (همان، ج ۸: ۵۰۶-۵۰۹).

امام خمینی طی دو سخنرانی جداگانه، در روزهای ۱۷ و ۱۹ تیر ۱۳۵۸، توصیه کرد مردم ایران، خبرگانی متّصف به ویژگی‌های زیر را برای نمایندگی مجلس خبرگان قانون اساسی انتخاب کنند: «یک عده آدم مطلع، خبیر، یک عده اشخاص صحیحی، یک

اشخاص مسلمانی، یک اشخاص متعهد به اسلام، یک اشخاص متعهد به اینکه این مکتب است که می‌تواند ما را مستقل قرار بدهد، یک همچو اشخاصی را تعیین بکنید (همان، ج ۹: ۸-۹)... الان قانون اساسی را باید درست بکنید. اشخاص خبره را فکر بکنید چه اشخاصی باید انتخاب بکنید؛ اشخاص سالم، اشخاصی که نه شرقی نه غربی باشند، اعتقاد به جمهوریت اسلام داشته باشند، ایمان به خدا داشته باشند، اهل علم باشند، امثال ذلک» (همان، ج ۹: ۳۷). استدلال ایشان برای اینکه «اشخاص مطلع از اسلام» به نمایندگی مجلس خبرگان انتخاب شوند، این بود که: «ما اسلام را می‌خواهیم درست کنیم، ما نمی‌خواهیم یک مطلب اروپایی درست کنیم تا برویم سراغ حقوقدان اروپایی فهم» (همان، ج ۹: ۱۰۳-۱۰۴). ایشان در ۲۹ تیر تصریح کرد:

قانون اساسی ما باید اسلامی باشد و اگر حرفی از او اسلامی نباشد، نه من رأی خواهم به او داد و نه ملت. ملت ما همه اسلامی هستند و... می‌خواهند قانون اساسی ما اسلامی باشد، کسانی را انتخاب می‌کنند که به اسلام عقیده دارد... من از همه طبقات، از همه جبهه‌ها؛ از همه حزب‌ها تقاضا می‌کنم که در کاندید[ی]های خود توافق کنند. اسلام برای همه بهتر است از سایر مسلک‌ها... اسلام است که شماها را آزاد کرد و قلم‌های شما را آزاد کرد. از این آزادی سوءاستفاده نکنید... همه با هم مجتمع شوید؛ کاندید[ی]ها را با هم تعیین کنید. اگر کاندید[ی]های غیراسلامی باشد شکست مفتضحانه خواهید خورد (همان، ج ۹: ۱۶۶-۱۶۷).

وقتی، در آستانه برگزاری انتخابات مجلس خبرگان، آشکار شد اکثری از احزاب و تشکل‌های سیاسی علی‌الظاهر رقیب، با یکدیگر متحد شده و ائتلاف‌هایی علیه جریان اسلامگرا تشکیل داده‌اند امام خمینی، هشدار آمیز، خواستار اتحاد جریان اسلامگرا در رقابت‌های انتخاباتی پیش روی مجلس خبرگان شد:

لازم است علمای اعلام جمیع بلاد از مرکز تا آخرین استان‌ها و شهرستان‌ها برای رسیدن به هدف اسلامی تشریک مساعی نمایند؛ در وحدت کلمه برای انتخاب مجلس خبرگان؛ و همه مجتمعاً در کاندیدا مشترک باشند و هر یک یا هر محل کاندیدای جداگانه نداشته باشند که در این تفرّق، خوف شکست و مخاطره عقب راندن اسلام و احکام مرفقی آن است. امروز چنانچه ملاحظه می‌نمایید گروه‌هایی که با هم

اتحاد نداشته‌اند، در این امر متحد شده و کاندیدای مشترک تعیین نموده‌اند.^۱ من بیم آن دارم که شما در حق خود متفرق شوید، دیگران پیشبرد کنند (همان، ج ۹: ۲۳۸).

امام خمینی، به‌ویژه نسبت به احزاب و تشکل‌های چپ و اصالت سیاسی و ایدئولوژیکی آنها سوءظن داشت و با توجه به مواضع ناسازگار اکثری از آنها در قبال نظام نوپای جمهوری اسلامی، احتمال می‌داد ساخته و پرداخته آمریکا باشند: «به نظر می‌آید که انگلیسی‌ها حزب توده را درست کردند. حزب توده‌ای که منتسب به یک قشر دیگری است، آنها درستش کردند. حالا هم همین‌طور به نظر آدم می‌آید که بعضی از این احزابی که چپ‌گرایی می‌کنند و خودشان را می‌چسبانند به چین، یا می‌چسبانند به شوروی، به نظر آدم این‌طور می‌آید که نه، اینها یک اشخاصی هستند که آمریکا درست کرده برای ما که شلوغ بکنند اینجا و صدا ایجاد کنند و دوباره آنها برگردند» (همان، ج ۹: ۱۸۴-۱۸۵).

امام خمینی، نظیر آنچه در دوره انقلاب موضع گرفته بود، در این برهه هم، همچنان بر مرزبندی سیاسی و فکری نظام جمهوری اسلامی با احزاب و گروه‌های سیاسی چپ و مارکسیستی و البته تشکل‌های غربگرا تأکید و تصریح می‌کرد (همان، ج ۹: ۲۴۶). ایشان در ۹ مرداد ۱۳۵۸ که فقط سه روز تا برگزاری انتخابات مجلس خبرگان قانون اساسی باقی بود، در پیامی خطاب به ملت ایران تأکید کرد: «ملت شریف با نهضت عظیم خود و قیام مردانه... کشور را از لوٹ خیانتکاران و اجانب پاک و با رفراوندوم بی‌مانند خود به جمهوری اسلامی رأی مثبت داد که حکومت عدل اسلامی برقرار و احکام مترقی اسلام اجرا شود و از این جهت صد درصد اسلامی است و قانون اساسی آن باید به‌هیچ‌وجه مخالف با احکام اسلام نباشد» (همان، ج ۹: ۲۵۴).

امام خمینی در بیاناتی صریح، که نشان می‌داد کماکان از تکثرگرایی و سیاست‌ورزی مسالمت‌آمیز حزبی در چارچوب نظام جمهوری اسلامی حمایت می‌کند و احزاب و تشکل‌های سیاسی دگراندیش منتقد نظام، همچنان از آزادی فعالیت سیاسی برخوردار خواهند بود، هشدار داد که از آن پس، با کلیه احزاب و گروه‌های سیاسی منازعه‌جو که راه

۱. همه اینها نشان از آن داشت که امام خمینی تحزب و سیاست‌ورزی حزبی جاری و ساری در کشور را به رسمیت شناخته بود و با تأیید حضور احزاب و تشکل‌های سیاسی دگراندیش رقیب، جریان اسلامگرا را به همبستگی و اتحاد و سیاست‌ورزی حزبی در مواجهه مسالمت‌آمیز حزبی در برابر رقبا فرامی‌خواند.

مبارزه قهرآمیز و مسلحانه با نظام جمهوری اسلامی را برگزیده‌اند، بی‌هیچ اغماضی، به شدت مقابله خواهد شد (همان، ج ۹: ۲۹۶-۳۰۱). بر مبنای همین استدلال بود که در ۲۹ مرداد ۱۳۵۸، طی پیامی خطاب به مردم کردستان، حزب دموکرات کردستان را به دلیل عدول از فعالیت سیاسی مسالمت‌آمیز، «غیررسمی و غیرقانونی» اعلام کرد (همان، ج ۹: ۳۱۱).

امام خمینی در همان ملاقات با منتخبان مجلس خبرگان قانون اساسی، تذکر دادند که عنایت به اینکه مردم ایران در همه‌پرسی تعیین نوع نظام، به حکومت «جمهوری اسلامی» رأی داده‌اند، که جمهوریت نظام را در روش و اسلامیت آن را در محتوا تضمین می‌کند، بنابراین قانون اساسی جمهوری اسلامی هم ضرورتاً باید ماهیت و محتوایش «مطابق با شرع» و «در چهارچوب شرع» تنظیم شود (همان، ج ۹: ۳۰۱-۳۰۲). ایشان در ۲۹ مرداد ۱۳۵۸، به مناسبت گشایش و آغاز به کار مجلس خبرگان قانون اساسی، طی پیامی، ضمن اینکه تذکر داد متن نهایی «قانون اساسی» لزوماً باید «حقوق و مصالح تمام قشرهای ملت» را به «دور از تبعیض‌های ناروا»، «حفظ و حمایت» نماید، «نیازها، منافع نسل‌های آینده» را «آن‌گونه که مدنظر شارع مقدس» است «پیش‌بینی» نماید؛ «مفاهیم قانون به‌نحوی که امکان تفسیر و تأویل غلط در مسیر هوس‌های دیکتاتورها و خودپرستان تاریخ در آن نباشد» از «صراحت و روشنی» برخوردار باشد؛ و «برای نهضت‌های اسلامی دیگر که با الهام از انقلاب اسلامی ایران درصدد ایجاد جامعه اسلامی برمی‌آیند» از «صلاحیت نمونه و راهنما قرار گرفتن» برخوردار باشد؛ هشدار هم داد که به تبع ماهیت اسلامی انقلاب مردم ایران و اینکه: «ملت ما در سراسر کشور... در رفراندوم بی‌سابقه و اعجاب‌آور با اکثریت قریب به اتفاق به جمهوری اسلامی رأی دادند و دولت‌های اسلامی و غیراسلامی رژیم و دولت ایران را به‌عنوان «جمهوری اسلامی» به رسمیت شناختند»، ضرورتاً باید «قانون اساسی و سایر قوانین در این جمهوری باید صد درصد بر اساس اسلام باشد... و اصولاً نمایندگانی که بر این اساس انتخاب شده باشند و کالت آنان محدود به حدود جمهوری اسلامی است» (همان، ج ۹: ۳۰۸-۳۱۰).

ایشان در ۱۲ مهر ۱۳۵۸ محدود نمایندگانی از مجلس خبرگان^۱ را که گنجاندن اصل ولایت فقیه در قانون اساسی را ناقض دموکراسی و جمهوریت نظام ارزیابی می‌کردند،

۱. به‌ویژه، رحمت‌الله مقدم‌مراغه‌ای نماینده آذربایجان در مجلس خبرگان، در انتقاد از گنجاندن اصل ولایت فقیه در قانون اساسی و تبعات به‌زعم خود منفی آن برای آینده سیاسی کشور، اظهارات صریحی داشت.

به شدت مورد انتقاد قرار داد:

چشم‌هایتان را باز کنید! اهل خبره چشمشان را باز کنند. کسانی که با ولایت فقیه مخالفت می‌کنند برخلاف این چیزی است که ملت آنها را تعیین کرده است عمل می‌کنند، و کالت ندارند در این امر. من اولی که مجلس بنا بود تأسیس بشود، پیش‌بینی این امور را می‌کردم. اعلام کردم که مردم جمهوری اسلامی می‌خواهند، جمهوری غربی را، جمهوری کمونیستی نمی‌خواهند مردم... مردم شما را وکیل کردند که جمهوری اسلامی درست کنید. کسی که مخالفت کند با احکام اسلام، مخالف با جمهوری اسلامی است؛ مخالف با رأی موکلین است، آنها شما را وکیل نکردند برای این امر. همه‌تان هم اگر چنانچه یک چیزی بگویید که برخلاف مصالح اسلام باشد، وکیل نیستید... ما به دیوار می‌زنیم آن حرفی را که برخلاف مصالح اسلام باشد. آن قدری که شما اختیار دارید در این مجلس، این است که جمهوری اسلامی را بر طبق موازین اسلامی پیاده کنید (همان، ج ۱۰: ۲۲۱-۲۲۲).

امام خمینی در آستانه فرارسیدن سال جدید تحصیلی (در ۳۱ شهریور ۱۳۵۸)، به استادان، دانشجویان و دانش‌آموزان اسلامگرا یادآور شد: «اسلام دین مستند به برهان و متکی به منطق است و از آزادی بیان و قلم نمی‌هراسد و از مکتب‌های دیگر... باکی ندارد. شما دانشجویان محترم نباید با پیروان مکتب‌های دیگر با خشونت و شدت رفتار و درگیری و هیاهو راه بیندازید. خود با آنها به بحث و گفت‌وگو برخیزید و از دانشمندان اسلامی دعوت کنید با آنها در بحث بنشینند تا نهی بودن دست آنان ثابت شود... ما با آزادی و منطق موافق، ولی اگر توطئه و خرابکاری باشد، تکلیف دیگری داریم» (همان، ج ۱۰: ۸۱). ایشان در مصاحبه‌ای که در همان مقطع با اوریانا فالاجی خبرنگار ایتالیایی انجام داد، تأکید کرد احزاب و تشکل‌های سیاسی دگراندیش، همچنان از آزادی فعالیت سیاسی برخوردارند. امام خمینی، بی‌آنکه برای اکثر احزاب و تشکل‌های سیاسی در پیروزی انقلاب نقشی جدی قائل باشد، خطاب به فالاجی اظهار داشت:

در مملکت ما آزادی اندیشه هست، آزادی قلم هست، آزادی بیان هست، ولی آزادی توطئه و آزادی فسادکاری نیست... احزاب هم همین‌طور؛ آنها هم - خلاف آزادی‌شان - اگر توطئه‌گر نباشند. حالا عملی که برخلاف

آزادی باشد، نکرده‌اند و نشده است... مع‌ذکک کسی جلو اینها را نگرفته است و آزادی دارند... این گرفتاری‌ها که رد بشود احزاب آزاد هستند. ما جلوی آزادی را هیچ‌وقت نمی‌گیریم (همان، ج ۱۰: ۹۲-۹۷).

با این احوال، امام خمینی، همچنان رشد قارچ‌گونه و غیرنظام‌مند احزاب سیاسی مسئولیت‌ناپذیر را آفت بزرگی برای توسعه سیاسی کشور ارزیابی می‌کرد. ایشان به‌ویژه هشدار می‌داد، مبادا، ناهمگونی سیاسی و تعارضات فکری و ایدئولوژیک ترمیم‌ناپذیر اکثری از این قبیل تشکل‌ها با یکدیگر و با سمت‌وسوی کلی نظام جمهوری اسلامی، آسیب‌های جبران‌ناپذیری را متوجه کشور نماید. اظهارات ایشان (در ۶ آبان ۱۳۵۸) در این باره چنین بود:

ما اگر رشد سیاسی داشته باشیم، حالا یک کشوری که از خودمان شده و می‌توانیم در این کشور زندگی صحیح بکنیم، زندگی انسانی بکنیم، زندگی آزاد و مستقل بکنیم، نباید همه گروه‌گروه بشویم که در ظرف مثلاً چند ماه، دو‌یست گروه با اسماء مختلف و با حرف‌های مختلف، و باز همان مسائلی که در صدر مشروطیت برای شکستن آن قدرت‌هایی که آن وقت مجتمع شده بودند، باز حالا دوباره مشغول شدند و آن وقت هم با حزب‌بازی و احزاب متعدده و اینها. و مع‌الاسف احزاب هم که در این ممالک پیدا می‌شود همه مخالف با هم و همه توی سر هم می‌زنند! نباید حالا مردم یک همچو کاری را بکنند (همان، ج ۱۰: ۳۷۵-۳۷۶).

در حالی که، از اواخر مهر و اوایل آبان ۱۳۵۸، برخی از افراد، احزاب و گروه‌های سیاسی، در اعتراض به سمت‌وسوی تصمیم‌سازی‌های اسلامگرایانه‌تر مجلس خبرگان قانون اساسی، زمزمه انحلال مجلس خبرگان را مطرح می‌کردند (آیندگان، ۱ مرداد ۱۳۵۸: ۱-۲؛ پیکار، ۲۸ خرداد ۱۳۵۸: ۱-۳؛ آیندگان، ۱۲ خرداد ۱۳۵۸: ۱؛ آیندگان، ۲۳ تیر ۱۳۵۸: ۱-۲)، امام خمینی طرح مباحثی از این دست را ناقض روال دموکراتیک انتخاب و فعالیت نمایندگان مجلس خبرگان قانون اساسی ارزیابی کرده، ضمن انتقاد شدید از معترضان، تصریح کرد که حتی انحلال چندباره مجلس خبرگان و برگزاری مکرر انتخابات هم، هیچ‌گونه تغییری در نتایج آراء به‌دست آمده ایجاد نکرده؛ ملت ایران، باز هم همین منتخبین اخیر را روانه مجلس خبرگان خواهد ساخت (همان، ج ۱۰: ۳۲۰-۳۲۱).

با برگزاری آخرین جلسه مجلس خبرگان در ۲۴ آبان ۱۳۵۸، متن نهایی قانون اساسی

جمهوری اسلامی از تصویب خبرگان قانون اساسی گذشت. امام خمینی، ضمن آنکه وعده داد نواقص احتمالی راه‌یافته به قانون اساسی در آینده رفع خواهد شد،^۱ از مردم خواست در رفراندوم قانون اساسی که مقرر بود در ۱۱ آذر ۱۳۵۸ در سراسر کشور برگزار شود، شرکت کرده و به متن مصوب مجلس خبرگان رأی مثبت بدهند (همان، ج ۱۱: ۱۳۷-۱۳۸).

ایشان در ۸ آذر ۱۳۵۸، در مصاحبه با خبرنگاران اروپایی، که از قول برخی از احزاب سیاسی دگراندیش فعال در کشور مدعی شده بودند: «بعضی احزاب سیاسی در ایران چنین برداشت می‌نمایند که مجلس خبرگان طرح قانون اساسی را بر مبنای اصول اسلامی تدوین نموده؛ ولی حقوق آنها را برای هر گونه فعالیت سیاسی در آینده نادیده گرفته‌اند»، به‌صراحت چنین برداشتی از متن قانون اساسی مصوب مجلس خبرگان را مردود دانست و، به‌شرح زیر، اطمینان داد که در آینده سیاسی ایران تحزب و سیاست‌ورزی حزبی آزاد خواهد بود:

این «بعضی از احزاب» یا قانون اساسی را نگاه نکرده‌اند و به خودشان زحمت ندادند که قانون اساسی را نگاه کنند و روی آن مقاصد فاسدی که دارند شروع کردند حرف می‌زنند و یا دیده‌اند و عمداً می‌خواهند خلاف بگویند. اصل ۲۶ قانون اساسی موجود، این قانون اساسی ما، احزاب و جمعیت‌ها و انجمن‌های سیاسی و انجمن‌های اسلامی، اقلیت‌های مذهبی آزادند. و شرط این است که توطئه نکرده باشند، برای اینکه مملکت ما را، ملیت ما را، جمهوری اسلامی ما را نقض کنند. این متن قانون اساسی است. لکن گرفتاری که ما از این، بعضی از این احزاب سیاسی، بعضی از اینها که منحرف‌اند، گرفتاری که ما از اول داشتیم این بوده است که از اول که این ملت آمده است و با فریاد الله اکبر و با فریاد اینکه ما جمهوری اسلامی می‌خواهیم، قیام کرده است... از آن اول که اینها غلبه کردند،

۱. در حالی که شورای انقلاب مهبیای برگزاری رفراندوم عمومی برای تأیید متن نهایی قانون اساسی مصوب مجلس خبرگان قانون اساسی بود، برخی از احزاب و تشکل‌های سیاسی، به‌انحاء گوناگون به بخش‌هایی از محتوای قانون اساسی ایراداتی وارد می‌کردند و بعضاً حضور خود در رفراندوم را به اصلاح یا حذف موارد مذکور می‌کردند. برخی هم ضمن اعلام حضور در رفراندوم، اظهار امیدواری می‌کردند موارد انتقادی مورد نظر آنها در متن قانون اساسی در آینده قابل پیش‌بینی اصلاح شود. به‌همین دلیل، امام خمینی وعده می‌داد نواقص احتمالی راه‌یافته به متن قانون اساسی در آینده اصلاح خواهد شد.

دستجات رویدند، یا از خارج آمدند و یا در داخل که در انزوا بودند، بیرون آمدند، از سوراخ‌ها بیرون آمدند و شروع کردند به کارشکنی. تا توانستند شروع کردند به اینکه این جمهوری باشد، جمهوری اسلامی نیست. اسلامی‌اش بیخود است، بعد یک دسته دیگر هم جمهوری دموکراتیک باشد، اسلامی‌اش لازم نیست. بعد هم یک دسته دیگر جمهوری اسلامی دموکراتیک باشد. مردم ما، ملت ما، صد درصد اگر نگوئیم، ۹۸/۲ درصد رأی داده‌اند به جمهوری اسلامی... و حالا مجلس خبرگان قانون را تدوین کرده است، تثبیت کرده است و بعد هم بناست که به همه‌پرسی گذاشته بشود، یعنی دموکراسی بالاتر از همه دموکراسی دنیا... الان هم اینها به دست و پا افتاده‌اند اشکال بکنند به قانون اساسی... ما می‌خواهیم بینیم احزاب سیاسی و سایر جمعیت‌ها غیر از اینکه به آنها بگویند که همه شما آزاد هستید، سانسور هرگز نخواهد بود، اینها غیر از این چه می‌خواهند؟... اینکه می‌گویند که برای ما مجال نگذاشته، برای آن شرط است که نقض ملیت ما را نکنند. این آقایان می‌خواهند نقض جمهوری اسلامی بکنند؟... در عین حال که قانون اساسی ما می‌گوید که همه احزاب، همه جمعیت‌ها، اقلیت‌های مذهبی و انجمن‌های اسلامی و انجمن‌های دیگر همه آزاد هستند، فقط گفته‌اند که شرطش این است که شما نقض ملیت ما را نکنید، نخواهید ملیت ما را از بین ببرید... نقض جمهوری اسلامی ما را نکنید، نقض قانون اساسی ما را نکنید، نقض اسلام را نکنید... اگر نمی‌خواهند نقض بکنند، پس شما آزادی دارید (همان، ج ۱۱: ۱۴۶-۱۴۸).

نتیجه‌گیری

یافته‌های پژوهش، با تأیید مدعای مقاله، ما را به نتایج زیر رهنمون می‌کند: آراء سیاسی امام خمینی (در فاصله پیروزی انقلاب تا تصویب قانون اساسی)، در موضوع شکل و محتوای نظام، دموکراسی، تکثرگرایی و سیاست‌ورزی حزبی، هیچ‌گونه تفاوت و تعارضی با آراء ایشان در دوره انقلاب (۱۳۵۶-۲۲ بهمن ۱۳۵۷) نداشت. امام خمینی همچنان از دموکراسی، تحزب، تکثرگرایی و سیاست‌ورزی حزبی در چارچوب حکومت جمهوری اسلامی حمایت می‌کرد. حکومت و قانون اساسی جمهوری اسلامی مورد عنایت امام خمینی، جمهوریت، تکثرگرایی و سیاست‌ورزی حزبی نظام را در روش و اسلامیت آن را در محتوا تأیید و تضمین می‌کرد؛ در همان حال، آزادی فعالیت احزاب و تشکل‌های سیاسی رقیب ولو دگراندیش، تا زمانی که ناقض اسلامیت نظام و نافی مصالح ملی کشور نبود، به رسمیت شناخته شده بود.

منابع و مآخذ

- آشوری، داریوش (۱۳۴۷)، *فرهنگ سیاسی*، تهران، مروارید.
- آقابخش، علی و مینو افشاری‌راد (۱۳۷۵)، *فرهنگ علوم سیاسی*، تهران، مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران.
- امام خمینی (روح‌الله موسوی‌الخمینی) (۱۳۸۵)، *صحیفه امام*، [ج ۲۲]. ج ۶ و ۷ و ۸ و ۹ و ۱۰ و ۱۱، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س).
- امام خمینی (روح‌الله موسوی‌الخمینی) (۱۳۸۵)، *کشف اسرار* (۱۳۲۳)، بی‌جا، بی‌نا.
- بشیریه، حسین (۱۳۷۲)، *انقلاب و بسیج سیاسی*، تهران، دانشگاه تهران.
- بشیریه، حسین (۱۳۷۴)، *جامعه‌شناسی سیاسی: نقش نیروهای اجتماعی در زندگی سیاسی*، تهران، نشر نی.
- بشیریه، حسین (۱۳۸۱)، *دیباجه‌ای بر جامعه‌شناسی سیاسی ایران در دوره جمهوری اسلامی ایران*، تهران، نگاه معاصر.
- بیتهم، دیوید و کوین بویل (۱۳۷۶)، *دموکراسی چیست؟ (آشنایی با دموکراسی)*. مترجم: شهرام نقش‌تبریزی، تهران، ققنوس.

- حضرتی، حسن و مظفر شاهدی (بهار ۱۳۹۷)، «مخالفت امام خمینی با نظام شاهنشاهی پهلوی از منظر قانون اساسی مشروطه؛ فرایند یک تحول»، *پژوهشنامه علمی - پژوهشی انقلاب اسلامی*، دوره ۸، ش ۲۶، صص ۱۷۷-۱۹۸
- دوورژه، موریس (۱۳۶۹)، *اصول علم سیاست*، مترجم: ابوالفضل قاضی، تهران، امیرکبیر.
- شاهدی، مظفر (۱۳۹۳)، *مبانی نظری و ریشه‌های تاریخی انقلاب اسلامی ایران*، ج ۳، تهران، پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی.
- طالبان، محمدرضا (۱۳۹۱)، *جستارهای روشی در علوم اجتماعی*، تهران، پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی.
- نوذری، حسینعلی (۱۳۸۱)، *احزاب سیاسی و نظام‌های حزبی*، تهران، نشر گستره.

